

جنگ آلمان و شوروی

یکی از علل تشویش درونی آلمانیها این بود که در اینموقع احتمال طولانی شدن مدت جنگ چون غفریتی خود در ادر مقابل سران ارتش آلمان ظاهر میساخت سالهای قبل آلمانیها در کتابهای نظامی خود تکرار نموده بودند که در آتیه هیچ جنگی نباید بجنگ طولانی و روش بتدریج از بین بردن دشمن تبدیل گردد. سازمان ارتش آلمان بدین منظور تغییر داده شد و سران نظامی این کشور معتقد بودند که سرعت عمل و وارد آوردن ضربات سخت و پی در پی محظور جنگ طولانی را مرتفع خواهد ساخت.

انجام دادن يك چنین استقراری برق آسائی بهار ایه های جنگی و هواپیماها محول گردید. فرماندهی کل ارتش آلمان در اینموقع باحل مسئله کاملاً جدیدی مواجه شده بود. نفرات آلمانی یاباید بایک کوشش مجدد آخرین ضربه قوی را وارد آورند یا آنکه بجنگ زمستانی تن در داده حمله را ماهها بتعویق اندازند در سال ۱۹۳۴ ژوسترو، (۱) یکی از کارشناسان نظامی آلمان چنین نگاشت: «تنها متخصصی که در آغاز جنگ در کلیه مسائل جنگی امروزی از قبیل نفرات، ادوات جنگی و تجهیزات برتری داشته باشد میتواند عملیات بزرگی را بعهده گیرد و بایک ضربه قوی جنگ را به پایان رساند» در اثر اجرای این اصل بود که نازیها توانستند موفقیت را در لهستان، فلاندر و بالکان بدست آورند. لکن در اینموقع صحت این اصل نظامی در مقابل آنهمه کوشش برارای اشغال «مسکو» مورد تردید قرار گرفت. این عدم موفقیت در روحیه آلمانیها و اکنش غریبی ایجاد نمود و بدیهی بود که «هیتلر» خود را در وضعیت وخیمی گرفتار میدید و سرانجام تنهاراهی را که در برابر خود بازدید کوشش مجدد برای ترمیم شکست خویش بود زیرا عدم موفقیت در تسخیر «مسکو» بمنزله شکست محسوب میشد

البته نه از نقطه نظر پیشروی در زمین بلکه از لحاظ عدم موفقیت در اجرای نقشه جنگ آلمان مجبور بود با سرعت فوق العاده ای ارتش خود را تقویت نماید و قبل از آنکه زمستان روسیه فرارسد آخرین ضربه خود را وارد آورد زیرا در غیر این صورت بدیهی بود که روسها هیچوقت تسلیم نخواهند شد. آلمانیها معتقد بودند که اگر سقوط «مسکو» روسها را وادار بتسلیم ننماید اقلا از نقطه نظر نظامی آنانرا فلج خواهد ساخت و اشغال «مسکو» از طرفی لطمه بزرگی بروسها وارد خواهد آورد و از طرف دیگر چون داروئی مقوی برای تقویت روحیه آلمانیها بکار خواهد رفت.

هر قدر که زمستان نزدیکتر میشد وضعیت بحرانی تر میگردد. آلمانیها بالاخره تصمیم گرفتند که اشغال قفقاز را بتعویق اندازند لکن مسئله تا اندازه ای غامض بنظر میرسید زیرا انتقال نیرو از هر نقطه جبهه به جبهه «مسکو» موجب ضعف آن نقطه میگردد. در قسمت جنوبی جبهه لازم بود که عملیات تا اندازه ای ادامه یابد تا اینکه زمینه مساعدی برای حمله مجدد بسوی مناطق نفت خیز قفقاز تهیه شود و از طرف دیگر توجه روسها را تا حدی از «مسکو» منحرف سازد. بنا بر این آلمانیها مصمم شدند که در «کریمه» و آن طرف آبهای «دونتز» به پیشروی پردازند. انجام سریع این عمل برای آنان کاملاً امکان داشت زیرا در مقابل «مسکو» و در اطراف «لنین گراد» شدت عملیات تقلیل یافته بود. در حوالی «مسکو» آلمانیها چنین نشان دادند که منظور اصلی آنها بدست آوردن وضعیت مناسبی در اطراف «تولا» و از آنجا شروع بانجام عمل احاطه ای دوم برای اشغال «مسکو» میباشد. در اطراف «کالینین» هم حمله آلمانیها همین منظور را تایید میکرد. ستاد ارتش شوروی مراقب این دو حمله بود و منظور اصلی فرماندهی آلمان را بخوبی درک کرده بود و از اینرو با سرعت بتهیه وسائل مقدماتی برای دفع حمله بعدی آلمانیها پرداخت. آلمانیها فقط و فقط در نتیجه اراده و سازمان کامل خود با وجود مشکلات سردی هوا و برفی که در برخی از نقاط وجود داشت موفق بنگاهداری مزایای اولیه خود شدند.

در روزهای اول ماه نوامبر پیشروی آلمانیها دره کریمه، یکی از وقایع مهم جنگ را تشکیل میداد. در روز ۱۱ نوامبر آلمانیها موفق باشغال شبه جزیره «کریمه» باستانهای ایستگاه دریائی «سباستوپول» گردیدند و از آن مهمتر «کرج»^(۱) آخرین نقطه خاوری شبه جزیره «کریمه» را که از آنجا راه دیگری بسوی قفقاز باز میشد اشغال نمودند.

در اینکه آلمانیها دره کریمه، هم از نقطه نظر شماره افراد و هم از نقطه نظر ادوات جنگی و مهمات بر روسها برتری داشتند محل هیچگونه تردید نیست. روسها در این موقع بغیر از دریا راه دیگری برای رسانیدن نیروی کمکی و مهمات با افراد خود نداشتند و از طرفی کوشش اصلی آنها این بود که خود را برای دفع حمله آینده آلمان بمسکو مهیا سازند. سکوت آلمانیها در جبهه «مسکو» در این موقع ظاهراً اعتماد و اطمینان تازه‌ای در ملت روسیه ایجاد نمود مخصوصاً موقعیکه فشار وارد بر «تولا» و «کالینین» موقتا موقوف گردید. در قسمت شمالی حمله مجدد آلمانیها که به شهر مهم «تیکوین»^(۲) محل تقاطع خطوط ارتباطی رسیده بود ثابت کرد که آلمانیها مصمم اند بار دیگر به «لنین گراد» حمله نمایند لکن بزودی نزول برف بعملیات آنان خاتمه داد و در نتیجه سکوت و وقفه‌ای در قسمت شمالی جبهه روسیه بوجود آمد در عین حال ماشین تبلیغاتی آلمان در پانزده روز اول ماه نوامبر لحظه‌ای از انتشار ادعاهای بی در پی راجع به پیشروی در «کریمه» و «لنین گراد» خودداری ننمود. اداره تبلیغات آلمان چنین وانمود می کرد که سرمای هوا مانع ادامه عملیات آنان در قسمت مرکزی جبهه میباشد ولی این مانع در حقیقت علت اصلی وقفه عملیات محسوب نمی گردید. در شانزدهم ماه نوامبر آلمانیها بقتلاً در جبهه «مسکو» بحمله پرداختند بدین ترتیب حمله دوم به پایتخت روسیه آغاز گردید و این بار چنین بنظر میرسید که حمله اصلی متوجه شمال باختری قوس جبهه روسهاست. در ناحیه «کالینین» و «لو کالامسک»^(۳) شدت حمله بیشتر بود. حمله دیگر ارتش آلمان در جنوب باختری قوس خط دفاعی روسها که ظاهراً بمنظور مکتوم داشتن سمت حمله

۱—Kertch

۲—Tikhvin

۳—Volokolamsk.

اصلی از نظر آنان بود با عدم موفقیت مواجه گشت. بختاً در ۲۱ ماه نوامبر در سرتاسر جبهه «مسکو» حمله آغاز گردید. آلمانیها هم در «ولو کلامسک» و هم در «تولاه» موفق به پیشروی شدند موضوعی که بلافاصله پس از حمله آلمانیها مکشوف گردید این بود که این بار لشکرهای زره پوش مانند سابق مورد استعمال قرار نگرفتند. در حمله اولیه آلمانیها بروسیه هنگهای ارا به جنگی از محلها نیکه بفاصله زیاد از هم قرار گرفته بودند حرکت میگردند و گاه در روز صد میل بداخل خاک روسیه پیشروی مینمودند. در حمله اول آلمانیها بمسکو و واحدهای زره پوش بفواصل کمتر و برای پیشروی مسافتهای کمتری بجلو فرستاده شده بودند لیکن در این حمله ارا به های جنگی بتعداد خیلی کم مورد استعمال قرار گرفتند، بدین معنی که حملات آلمانیها با حملات پیاده نظام توأم بود جریان عمل نشان میداد که عقیده آلمانیها راجع باستعمال اسلحه زرهی تا اندازه ای تغییر نموده و این تغییر عقیده ممکنست مربوط بیک ویا کلیه دلایل زیر باشد:

اولاً - روسها در عرض چند ماه گذشته طرز دفاع در مقابل ایتمگونه سلاح جنگی را آموخته و علاوه ادوات لازمی که در آغاز جنگ بدان نیازمند بودند در اینموقع در دست داشتند.

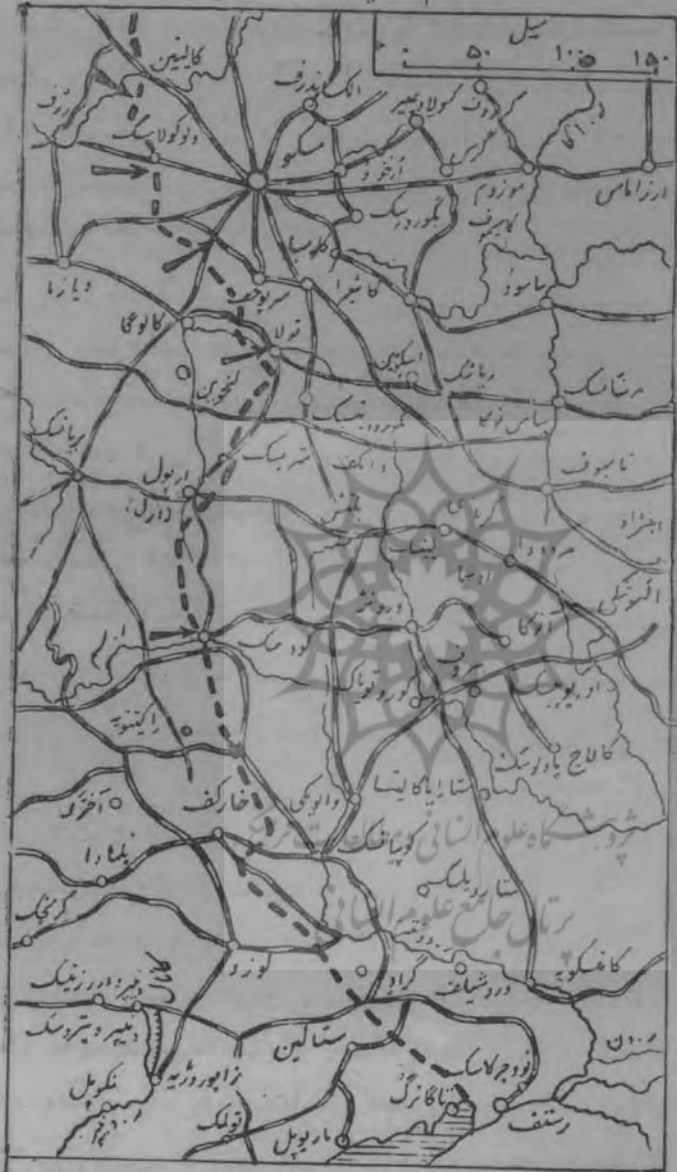
ثانیاً - روسها در جبهه خود وسائل دفاعی بهتری داشتند و میتوانستند بیش از پیش نفرات مدافع در نقاط تدافعی تمرکز دهند.

ثالثاً - نیروی هوایی آلمان بعلت دادن تلفات زیاد نمیتوانست مانند سابق به پشتیبانی از نیروی زرهی بپردازد.

رابعاً - از همه مهمتر آنکه پیاده نظام آلمان پس از دادن تلفات سنگین نیاز مند به پشتیبانی ارا به ها بود تا بتواند بحمله مبادرت ورزد. وضع اخیر وضعی بود که در سال ۱۹۱۸ در جبهه باختر برای آلمانیها ایجاد گردید و ظن قوی میرود که ستاد ارتش آلمان مشاهده مجدد این وضع را بفال نیک نگرفته باشد.

بیسکار خونین بدین ترتیب آغاز گردید و آلمانیها با وجود دادن تلفات سنگین از حیث نفرات و ضایعات بیشمار و از حیث ادوات و آلات جنگی مخصوصاً در جناحین جبهه «مسکو» موفق به پیشروی گردیده و ادعا نمودند که

حمله دوم آلمانیها بسکوه



جبهه تقریبی آلمانیها در ۵ نوامبر - - - - -

تیم شمال شیطان

پروژه تحقیقاتی در زمینه...



پروژه تحقیقاتی در زمینه مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پروژه تحقیقاتی در زمینه...

توانسته اند به نقطه‌ای واقع در چهل میلی شمال باختری «مسکو» برسند. احتمال قوی می‌رود که این ادعا فقط متکی بر سوخ ارا به های زره پوش بود. در همان موقعیکه ارتش آلمان کوشش مینمود تا شدت فشار وارد بر سراسر جبهه «مسکو» را یکسان نگاهدارد آشفتگی وضع جنگ رو بشدت مینهاد لکن در عین حال آلمانیها امیدوار بودند که بتوانند «مسکو» را از شمال و جنوب احاطه نمایند زیرا هنوز بعقیده قدیمی خود یعنی محاصره دشمن پا بر جا بودند. از مثلثی که در سه رأس آن «کلینین»، «کلین»^(۱) و «ولوکلامسک» قرار گرفته بود آلمانیها از راه «مسکو» و «لنین گراد» و در امتداد راه آهن به پایتخت روسیه حمله نمودند در یک موقع در نتیجه فشار وارده آلمانیها موفق بر رسیدن به ۳۰ میلی «مسکو» شدند و در جبهه جنوبی مسکو در نتیجه حمله شدید دیگری خود را بروی «اوکا»^(۲) رساندند لکن در اینجا مدافعین «تولا» چندین روز بوضع بسیار قابل تمجیدی موفق به پایداری گردیدند دفاع روسها در این نقطه خطری را که متوجه این جناح بود مرتفع ساخت چون از طرفی آلمانیها موفق باشغال «تولا» نگر دیده بودند و از طرف دیگر ارتش شوروی در شمال سخت بمقاومت پرداخته بود لذا عمل محاصره «مسکو» با عدم موفقیت مواجه گشت. با این وصف شدت پیکار لحظه‌ای تخفیف نیافت و تنها تلفات وارد به نفرات و ادوات جنگی و بدی هوا و مشکلاتی که برای وسائل حمل و نقل در پشت جبهه ایجاد شده بود از فعالیت و شدت حمله آنها کاست. در پشت خط آلمانیها عملیات جنگ و گریز سربازان شوروی ادامه داشت این افراد بایجاد موانع برای رسیدن خواربار و مهمات و ایداء نفرات خسته آلمانی و ایجاد تزلزل در روحیه آنان مشغول بودند. حتی در انتهای جنوبی جبهه جائیکه آلمانیها بسهولت به پیشروی پرداخته و متفقین آلمان مجبور بتقویت نفرات فرسوده آلمان بودند پیشروی آلمانیها نسبتا رو بسستی نهاد. اقدامات نوین «تیموشنکو» برای تجدید سازمان ارتش قسمت جنوبی جبهه و ایجاد تغییرات بزرگ در فرماندهی قسمت‌های مختلفه رفته رفته اثرات خود را آشکار میساخت تا اینکه در ۲۸ نوامبر

۱-Klin

۲-Oka

بغفتاً تغییر غریبی در وضعیت جنگ ایجاد گردید. آلمانیها از « رستف » جائیکه فقط یکم هفته قبل از آن اشغال نموده بودند رانده شدند و این آغاز وقوع وقایع مهمتر دیگری بود.

در حقیقت مواضع آلمانیها در امتداد دریای « آزوف » از چندی قبل از آن مورد تهدید قرار گرفته بود و چون سرعت بسوی « رستف » پیشروی نموده بودند لذا جناح چپ آنان بطور خطرناکی بلا دفاع و بینهایت آسیب پذیر شده بود. نیروی مهاجم واقع بین دریای « آزوف » و « خار کف » هم ضعیف شده و برای مخفی نمودن این ضعف آلمانیها بحملات پی در پی میپرداختند و چون روسها باسانی عقب نشینی میکردند لذا خطری متوجه پیشروی آلمانیها نگردید لکن همینکه در ۲۵ ماه نوامبر « تسیگانوف »^(۱) از « دونتز » واقع در جنوب « بلگورد »^(۲) عبور نموده بحمله پرداخت وضع آلمانیها دچار مخاطره غریبی شد. فشار وارده بر این جناح رفته رفته بسوی خاور متوجه گردید تا اینکه قوای آلمانی که در « رستف » بودند مورد تهدید سخت قرار گرفتند در رأس نیروی حمله کننده شوروی قزاقها قرار گرفتند و جنگ خونینی آغاز گردید بعلت ناز کی یخ در روی رودخانه « دن » دوروز طول کشید تا ازابه های جنگی و توپخانه روسها موفق بعبور شدند. در این ۴۸ ساعت نبرد در خیابان ها و منازل ادامه داشت. اغلب از نقاط شهر طعمه آتش شده و بیش از نیمی از اهالی بی خانمان گردیدند اجساد مردگان بدارهای وقت در میدانهای شهر آویزان بود و آلمانیها برای تخلیه « رستف » در مقابل حمله سخت روسها باین بهانه متشبث شدند که چون اهالی غیر نظامی در هر نقطه بخطوط ارتباطی آنها حمله مینمایند لذا مجبور بتخلیه « رستف » شده اند تا بتوانند با آنان در منتها درجه قساوت رفتار نمایند تنها در « رستف » ثابت گردید که آلمانیها تا چه اندازه می توانند از خود قساوت نشان دهند. در این موقع چنین بنظر میرسد که روسها میتوانند به نیروی خود نفرات کمکی و مهمات برسانند در صورتیکه زمان و مسافت دو عامل موثری بود که مانع بزرگی در مقابل رساندن نیروی تقویتی برای آلمانیها ایجاد میکرد. سرمای زمستان اندک اندک رو بشدت میگذاشت و

هرچه هوا سردتر میشد آلمانیها گرفتار مشکلات بیشتری میگرددند مخصوصاً از این نقطه نظر که با وجود شدت نبرد در جبهه مسکو، نیروی شوروی هم در قسمت جنوبی جبهه و هم در قسمت شمال بحمله پرداخته بود در این موقع علائم خستگی در طرفین آشکار بود. آلمانیها چندین بار ادعا کردند که، توانسته اند حملات روسها را در حوالی لنینگراد، دفع نمایند در نهم ماه دسامبر فرماندهی شوروی اعلام داشت که «تیخوین» پس از ده روز بمبار سخت دوباره بتصرف نیروی شوروی در آمده است. این واقعه آغاز حقیقی حمله متقابل بزرگ روسها بود که قبلاً در دره رودخانه «دن» بوقوع پیوسته بود.

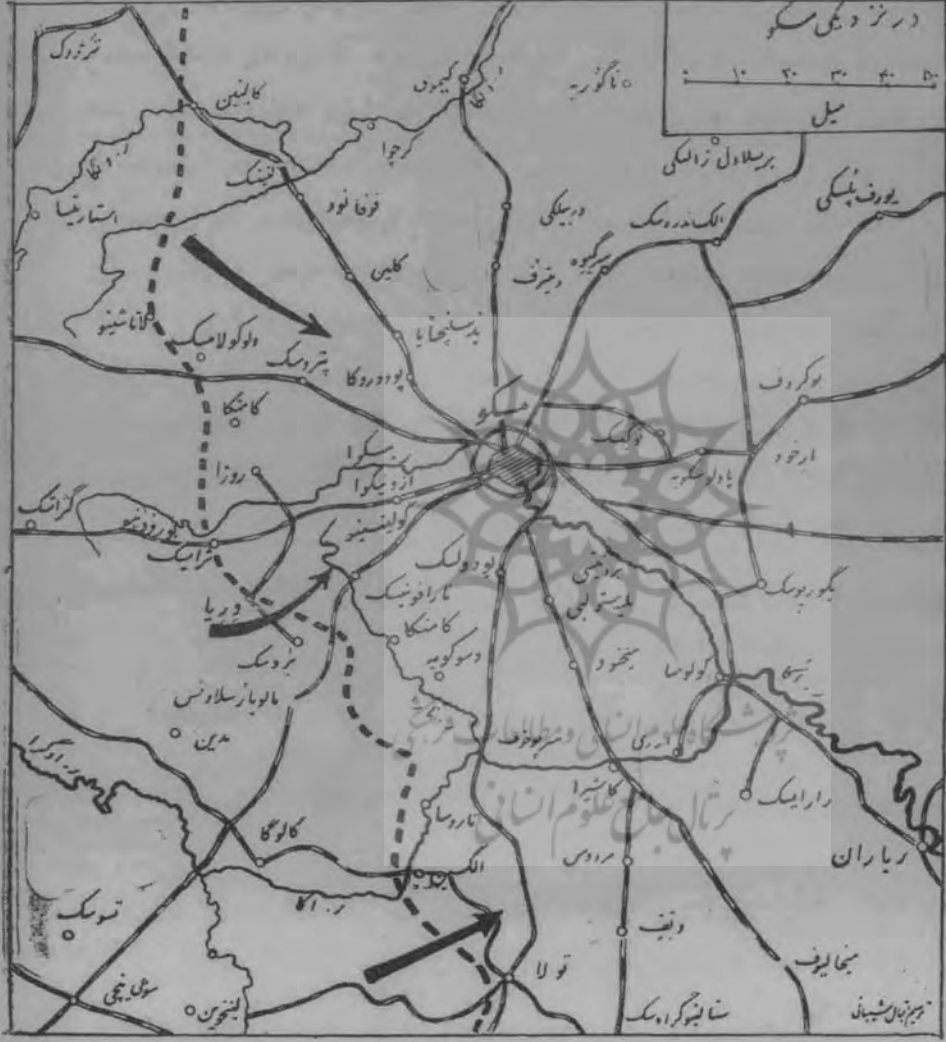
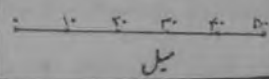
از اواخر ماه نوامبر آلمانیها در حوالی مسکو مشغول جنگ خونینی بودند با آنکه در هفته اول ماه دسامبر پیشروی قابل توجهی ننموده و کم کم رو بضعف نهاده بودند معیناً فشار وارده در «هوزایسک» و از آن مهمتر در حوالی «تولا» (جائیکه مدافعین شوروی بوضع فوق العاده خطرناکی افتاده بودند) تشویش و نگرانی بزرگی در مسکو ایجاد نموده بود زیرا روسها بمرحله ای رسیده بودند که نمیتوانستند حتی یکمتر از زمین واقع در حوالی مسکو را از دست بدهند. در همین لحظه بحرانی کلیه کوششهای آلمان بگتاً متوقف گردید. بدون شك چندی قبل از آن ستاد ارتش آلمان متوجه این نکته شده بود که ارتش آلمان حد اکثر کوششی را که بشر و نیروی مادی او قادر بانجام آن میباشد بکار برده است بنا بر این در هفتم ماه دسامبر اعلامیه ستاد ارتش آلمان ناگهان اعلام داشت که کلیه عملیات جنگی در جبهه شوروی بعلت شدت سرمای هوا متوقف و محدود بیافتن پناهگاه زمستانی و آماده شدن برای حمله بهاره گردیده است در این پیش بینی آلمانیها بهیچوجه روسها را که کشور آنان مورد تهاجم قرار گرفته و آنطور دچار ویرانی شده بود مورد توجه قرار ندادند. در سراسر کشور روسیه چنان حس تنفر شدیدی نسبت به آلمانیها ایجاد شده بود که بهیچوجه حاضر نبودند حمله متقابل ای را که پس از این مدت و با این حرارت آغاز نموده اند بلا اثر گذارند. نه هوانه زحمت رساندن خواربار و نه نیروی دشمن میتواندست آنها را از اجرای

منظور و تصمیم خود باز دارد اگر چه در مقابل پرده پوشیها و اظهارات نیمه صحیح طرفین متخاصم نمیتوان به آسانی بکشف حقایق پرداخت معهدا موقعیکه جریان جنگ را از آغاز مورد دقت قرار دهیم می بینیم که روسها در این جنگ مانند جنگهای گذشته، استراتژی آسیائی، را بمورد عمل گذاردند. نظیر این استراتژی، نتایج حاصله از آن و مشکلات ایجاد شده بوسیله آنرا میتوانیم بخوبی در جنگ چهارساله بین ژاپنیها و چینیها مشاهده نمائیم با این اصول جنگی روسها چند صد سال قبل با «شارل دوازدهم» و بعداً با تایلون بچنگ پرداخته و موفقیت حاصل نمودند لکن در سالهای ۱۷-۱۹۱۵ روسها بواسطه آنکه «استراتژی اروپائی» را اختیار نموده و جنگ را با اسلوب قدیم اداره نمودند با عدم موفقیت مواجه گشتند. سرباز روسی موقعیکه کشور خود را مورد تهاجم کشور خارجی دید و زمینی را که سالیان دراز در آن بزراعت پرداخته در معرض تهدید و از بین رفتن یافت نیروی تازه و نوینی برای دفاع از خاک خود در خویشتن احساس نمود

در اینجا خوب است بار دیگر بگفته های «کلوزویتس» که خود در ارتش روسیه در سال ۱۸۱۲ مشغول خدمت بوده مراجعه نمائیم طبق اظهار او همیشه در جنگ حد معینی وجود دارد که در آن حد دیگر استعمال نیرو و نفرت و ادوات بمنظور نیل به پیروزی حقیقی مفید و موثر واقع نخواهد شد یعنی کوشش مهاجم همیشه بحدی میرسد که در آن حد حتی مزایای زمینی و استراتژیکی و شکست و تزلزل روحیه دشمن دیگر بحال نیروی مهاجم مساعد نبوده و او را بادامه حمله حتی در صورت توانائی انجام دادن آن قادر نمیسازد.

آلمانیها دیگر بهیچوجه اهمیتی برای گفته های «کلوزویتس» قائل نبودند زیرا عقیده نظامی آنان بر ضربه قوی که در نهایت شدت وارد آورده شود متکی بود «لودندرف» در حقیقت گفته های «کلوزویتس» را چون سخنان کهنه و قدیمی بدور انداخته بود در صورتیکه او بیش از همه میبایستی با اهمیت این نقطه که «کلوزویتس» آنرا «نقطه اوج پیروزی» مینامد و یکی از قوانین مسلم جنگ بشمار میرود معتقد باشد زیرا آلمانیها خود در سال ۱۹۱۸ نه

در نزدیکی مسکو



شهر تروک

کالینین

کیرین

ناگوریه

برسلاو زانکی

یوسف پتسکی

دریلسکی

الک ندرسک

پوکروف

ارخود

دولسک

پادلوسکی

بگور پومک

پودولسک

مارافونسک

کاسسکا

دسوکویه

کولوسا

کولوسا

کاستیرا

مراوس

تولا

سناپینوگراوسک

ریاران

بمایلوف

نیزه نیشین

کاشیکا

روزا

دریا

بروسک

مالوبارسلانس

مین

کالوگا

کالوگا

توسک

سویانچی

لیسینون

لیسینون

لیسینون

لیسینون

لیسینون

لیسینون



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

یکبار بلکه دوبار به آن نقطه رسیده بودند اولی موقعیکه آلمانیها بدروازه های « آمین »^(۱) در ماه مارس ۱۹۱۸ رسیدند و دیگری یکماه بعد از آن هنگامیکه مدافعین فرانسوی را از کوه « کمل »^(۲) بعقب راندند بعد از آن آلمانیها بحملات چنان سختی پرداختند که مقاومت در مقابل آن دشوار بود با این وصف آن حملات شبیه حملات خشمگین شیر تیر خورده ای بود که بزودی بانتهار رسید . حال آیا باید تصور نمود که آلمانیها در نبرد های « مسکو » به « نقطه اوج پیروزی » رسیده بودند یا خیر ؟ البته امروزه قضاوت در اینموضوع دشوار و خطرناک است زیرا در جنگ کنونی قدرت تولید مواد و ادوات جنگی اهمیت فوق العاده دارد و بهمین جهت پیش بینی بهیچوجه میسر نیست لکن میتوان گفت که چون آلمانیها از طرفی بوارد آوردن ضربه قوی و بدست آوردن پیروزی سریع معتقد و سازمان ارتش خود را بر این اساس بنا نهاده بودند و از طرف دیگر روسها که سرعت بسیجشان کمتر و از نقطه نظر تهیه مواد با مشکلات متعددی مواجه بودند روش آهسته جنگ را انتخاب نمودند لذا آتیه جنگ بستگی بدو عامل بزرگ دارد : اول قدرت تولید ذخیره های مسلح دوم ترمیم آلات و ادوات جنگی از اینرو طرفین متخاصم در حقیقت با مسائل مشابهی مواجه میباشند .

۱-Amiens

۲-Kemmel